

## بررسی نظریه گفتمان قدرت و زبان میشل فوکو و هویت زنانه در رمان «سووشون» سیمین دانشور

روشنک وطنی\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۵

بهناز صالحی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۳

### چکیده

نویسندگان این مقاله سعی کرده‌اند تا با مطالعه متن رمان «سووشون» به بررسی گفتمان‌های چندگانه اثر که متأثر از وضعیت اجتماعی عصر دانشور است بپردازند، و همچنین بررسی کنند که چگونه این اثر با بکار گرفتن صداهای مختلف در مقابل گفتمان مردسالارانه غالب، صداهای خاموش و ناشنیده زن را به گوش مخاطب می‌رساند. در عین حال با بررسی زبان رمان که متأثر از جنبه‌های مختلف حماسی، اساطیری و مذهبی است این نکته را به اثبات برسانند که دانشور چگونه توانسته شخصیت جدیدی از زن را در ادبیات داستانی ایران خلق کند که بر خلاف خواست گفتمان غالب جامعه زمان خویش هویتی مستقل برای خود یافته، از انفعال خارج شده و به عنوان زنی کنش‌گر وارد اجتماع شود.

**کلیدواژگان:** قدرت، گفتمان، هویت، زبان، مردسالاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

roshanak.vatani@gmail.com

\* گروه زبان انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

salehibehnaz@yahoo.com

نویسنده مسئول: روشنک وطنی

## مقدمه

آثار هنری از اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه و زمانه خود تأثیراتی چنان تعیین کننده می‌گیرند که در مجموع هر یک می‌توانند به شکلی انواع گرایش‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی زمان و جامعه خویش را بازتاب دهند. در میان انواع ادبی، رمان به دلیل حقیقت‌مانندی خود نوع ادبی مطلوبی برای انعکاس این گرایش‌های رایج و ارزش‌های غالب به حساب می‌آید. در واقع مطالعه یک رمان هنرمندانه و باتکنیک می‌تواند ما را در شناخت روابط قدرت در جامعه یاری رساند. کشمکش شخصیت اصلی با روابط قدرت او را به فردی متفاوت بدل می‌کند که با به چالش کشیدن شرایط پیرامون خود سعی می‌کند تا در ذهن خواننده این سؤال را ایجاد کند که چگونه روابط قدرت در جامعه سیستم ارزشی آن را تعیین می‌کند و انسان‌ها چطور آن را درونی می‌کنند و به چه شکل می‌توان در مقابل این گفتمان غالب ایستاد و صدای خود را پیدا کرد؟

نظریات گوناگونی در بررسی و تحلیل متون ادبی و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده است و رویکردهای عمده‌ای را در نقد ادبی پدید آورده‌اند. یکی از این رویکردها تاریخ‌گرایی نوین است که بر خلاف نقد کلاسیک تاریخ را به عنوان منبعی ارزشمند و موثق در تحلیل و بررسی آثار ادبی محسوب نمی‌کند. مهم‌ترین نظریه‌پرداز این رویکرد میشل فوکو اعتقاد دارد که «تاریخ توسط صاحبان قدرت نوشته می‌شود و در این نوشته‌ها منافع صاحبان قدرت مد نظر است و به واقعیت توجهی نمی‌شود» (مقدادی، ۱۳۸۰: ۳۸۱). وی که قدرت را مکانیسمی پویا و مولد تعریف می‌کند اظهار می‌دارد که نمی‌توان قدرت را صرفاً به فردی مستبد یا طبقه‌ای خاص محدود کرد بلکه «قدرت از اجتماع عوامل غیر شخصی از جمله نهادها، هنجارها، مقررات، قوانین و گفتمان‌ها نشأت می‌گیرد و ساختاری دارد که با دانش پیوندی انکارناپذیر دارد» (ضمیران، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

فوکو معتقد است که اعمال قدرت از طریق ایجاد و انتشار گفتمان امکانپذیر است و این قدرت است که گفتمان غالب جامعه را تعیین می‌کند، و گفتمان غالب است که تعیین می‌کند در مورد چه چیزها باید سخن گفت و در مورد چه چیزها نباید گفت و معیارهای "حقیقت" را تعیین می‌کند. از این رو تاریخ مملو از حقایقی است که بر پایه

دروغ استوار شده است. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که ادبیات در بازتاب این گفتمان چه نقشی دارد؟ ادبیات (به طور خاص رمان در این پژوهش) به دلیل حقیقت‌مانندی خود انعکاس دهنده این گفتمان غالب است اما نه از طریق پرداختن به مسائل "واقعی" تاریخی بلکه ادبیات با نشان دادن حوادث تخیلی و داستانی به خواننده آگاه این امکان را می‌دهد تا ساز و کارهای حقیقی قدرت را در پشت این حوادث بیاید. نویسنده رمان می‌تواند شخصیتی را به تصویر بکشد که نه تنها با گفتمان غالب سر به ستیز و عناد برمی‌دارد بلکه در میانه این کشمکش گفتمان خود را پیدا می‌کند و آن را بر هر ساز و کار دیگری ترجیح می‌دهد. همانگونه که *ایان وات* در تعریف رمان می‌گوید: «شخصیت اصلی معمولاً انسانی به غایت فردگراست که منظومه‌های ارزش‌های خودش را بر هر نظام دیگری مرجح می‌داند» (پاینده، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

طبق نظریه‌های منتقدان فمینیستی در جوامع مردسالار «زنان به طور اساسی و بنیادی تحت نفوذ زبان مغلوب معیارها و ارزش‌های مردان هستند» (مقدادی، ۱۳۸۰: ۳۰۳). در واقع تسلط مردان بر کلیه جهان‌بینی‌ها چون فرهنگ، تاریخ، سیاست، مذهب و زبان، زنان را در زندانی از حقیقت‌های مردانه به دام انداخته است. یکی از مهم‌ترین منتقدان فمینیست به نام *کیت میلِت* در کتاب معروف خود به نام «سیاست‌های جنسیتی» ادعا می‌کند که "ادبیات سیاسی است". سیاست در اینجا به معنای وجود مکانیسم‌هایی است که روابط قدرت را تعیین و تقویت می‌کند. *میلِت* در ادامه می‌گوید همانطور که در جامعه این مکانیسم‌ها و همچنین نهادهای اجتماعی به شکلی عمل می‌کنند که موجب دستکاری قدرت شده و در نهایت باعث تسلط مردان بر زنان و تقویت این ساختار می‌شوند، در ادبیات نیز چنین مکانیسمی وجود دارد. خوانندگان زن با خواندن یک متن ادبی به شکلی ناخودآگاه چنین ساختاری را در خود درونی کرده و آن را امری بدیهی و طبیعی تلقی می‌کنند. منتقدین فمینیست سعی در ایجاد آگاهی در مخاطبین خود دارند تا با خوانشی متفاوت با متون ادبی مواجه شوند.

رمان از جمله قالب‌های متنوعی است که بسیاری از زنان نویسنده از آن بهره می‌گیرند. سیمین دانشور بانوی داستان‌نویس ایرانی نه تنها در آثار خود به بازتاب مسائل زنان توجهی خاص داشت بلکه در شیوه داستان‌نویسی و روایت یکی از چهره‌های ادبی

معاصر به حساب می‌آید. وی با خلق آثاری که در آن‌ها زن محوریت اصلی داستان را به عهده دارد سعی در ایجاد زبان و هویتی زنانه دارد. در بسیاری از آثاری که متعلق به زنان نویسنده است مضامین متنوعی همچون جنگ، روابط آدم‌ها، خانواده، عشق، مرگ و بالاتر از همه جریان عمیق زندگی و فلسفه آن دیده می‌شود که ریشه بسیاری از این انتخاب‌ها را می‌توان در رمان «سووشون» مشاهده کرد. از این جهت بررسی این رمان به عنوان اولین رمان نوشته شده توسط یک زن نویسنده با محوریت زری شخصیت اصلی داستان با عنایت به رویکردهای نوین ادبیات معاصر در حوزه آکادمیک لازم و ضروری می‌نماید.

با توجه به تأکید فوکو مبنی بر پیوند قدرت و گفتمان و پیچیدگی و چندگانگی روابط قدرت مقاله حاضر به بررسی این رابطه متکثر گفتمانی در خانواده زری می‌پردازد و نشان می‌دهد که چطور این چرخه ارتباطی و این سیطره قدرت در ارتباط با شخصیت‌ها و فامیل گسترده‌تر می‌شود و در جامعه ظهور پیدا می‌کند. در انتها به این پرسش می‌پردازد که چطور زری در سیر داستان می‌آموزد تا در مقابل گفتمان غالب استعماری جامعه خویش بایستد و از زنی خانه دار، منفعل و مطیع به زنی کنش‌گر تبدیل شود.

### پیشینه تحقیق

درباره سیمین دانشور تا کنون مطالبی به رشته تحریر در آمده است. «جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور» اثر هوشنگ گلشیری که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده، از جمله اولین تحلیل‌هایی است که در این زمینه به عمل آمد. گلشیری با بررسی شخصیت زری در داستان «سووشون» به این نتیجه می‌رسد که این رمان در پی تشویق خواننده است به گذشتن از تعلقات و پوستین‌های کهنه جامعه مردانه و ایستادن بر دو پای اختیار. در ویژه نامه تکاپو «دی- بهمن ۷۲» مقاله «کشف تاریکی» نوشته مسعود طوفان به بررسی مبانی اسطوره‌ای و کهن الگوها در رمان‌های «سووشون» می‌پردازد. در این راستا مقاله «سیمین دانشور: شهرزادی پسامدرن» (ادبیات و فلسفه، دی ماه ۸۱) نوشته دکتر حسین پاینده نیز به بحث روایت در کارهای دانشور می‌پردازد. انتشار

جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور با عنوان «بر ساحل جزیره سرگردان» به کوشش آقای علی دهباشی، مدیر وزین مجله بخارا در ۱۲۴۸ صفحه و همچنین کتاب «درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن» نوشته جواد اسحاقیان و کتاب «سیمین دانشور در آیینۀ آثارش» نوشته سیمین پناهی فرد نیز به بررسی ساختاری و معنایی آثار این رمان‌نویس پرداخته‌اند. یکی دیگر از مقالاتی که درباره موقعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی «سووشون» بحث کرده «تحلیل درونمایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی» نوشته حسینعلی قبادی است که در سال ۱۳۸۳ در دوره دوم فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است. نویسنده این مقاله درونمایه‌های «سووشون» را از نگاه گفتمان‌های اجتماعی بررسی کرده است. او راز اقبال عمومی به «سووشون» را در اندیشه ورزی و صداقت در آفرینش ادبی، بهره‌گیری از میراث‌های اسطوره‌ای و گنجینه‌های عناصر اسلامی-ایرانی و قدرت بازآفرینی هنری و ادبی می‌داند که در کنار درگیری با چالش‌های اجتماعی و سیاسی، در بیان حقایق و مصالح ملی-انسانی برنامه‌های استعمار و اشغال‌گری پنهان و آشکار به گونه‌ای جامع، ابتکاری و نوآورانه گفتمان‌های روزگار صداقت تمام داشته است و توانسته ادبیات معاصر داستانی را با جنبه‌های بومی پیوند دهد. هرچند تا کنون آثار زیادی در جهت تحلیل و بررسی آثار این بانوی فرهیخته به عمل آمده است اما امید است که پژوهش‌گران بیش‌تری در این راه گام بردارند تا بتوانند سیمای جامع‌تری از این نویسنده شاخص ایرانی را به جهانیان معرفی کنند.

## تحلیل و بررسی

فوکو بر پیوند قدرت و گفتمان تأکید دارد و قدرت را مانند موقعیت استراتژیک پیچیده و متکثر از روابط زور در نظر می‌گیرد. او یادآوری می‌کند هرچقدر قدرت هست، سرکوب و مقاومت هم هست. چون روابط قدرت از چندگانگی برخوردار است، مقاومت هم به شکل‌های متکثر نمود می‌یابد (فوکو، ۱۳۸۹: ۹۷). با این توضیح می‌توان گفت در رمان «سووشون» این رابطه متکثر گفتمانی در خانواده زری هم حاکم است و به تدریج مشاهده می‌شود این چرخه ارتباطی و این سیطره قدرت در ارتباط با شخصیت‌ها و

فامیل گسترده‌تر می‌شود. فوکو بر حضور مداوم قدرت در تمام جنبه‌های حیات تأکید دارد و می‌گوید: «قدرت همه جا حضور دارد نه به خاطر اینکه بر همه چیز سلطه دارد و جنگ می‌زند؛ بلکه به این خاطر است که از همه جا نشأت می‌گیرد» (ضمیران: ۱۵۶). برای مثال، در خانواده پدرسالار، معمولاً پدر در رأس است و به نسبت آن، این روابط قدرت بین دیگر اعضای خانواده تقسیم می‌شود. حتی با توجه به دیدگاه فوکو، بین دو رابطه دوستانه و صمیمی هم قدرت حاکم است و همواره یکی بر دیگری نفوذ بیش‌تری دارد.

### بازتاب قدرت در سووشون

جدال از دو نیروی متقابل در داستان به وجود می‌آید.

#### الف. جدال یوسف با حاکم و نانوهای دزد

جدال از همان آغاز رمان با این گفته یوسف شروع می‌شود:

«گوساله‌ها چطور دست میرغضبشان را می‌بوسند، چه نعمتی حرام شده و

آن هم در چه موقعی...» (سووشون، ص ۱)

#### ب. جدال زری با یوسف

جدال زری با یوسف به خاطر محبت و عشقی است که زری به او دارد و می‌خواهد شوهر و بچه‌هایش را از این بحران دور نگه دارد و خانواده خود را حفظ کند:

«زری گریه کنان گفت: هر کاری می‌خواهند بکنند اما جنگ را به لانه من نیاورند به من چه مربوط که شهر شده عین محله مردستان ... شهر من، مملکت من همین خانه است، اما آن‌ها جنگ را به خانه من هم می‌کشاند...» (همان، ص ۱۹)

#### ج. جدال زری با عزت الدوله

جدال زری با عزت الدوله که جدالی عاطفی است و از بدجنسی و شرارت عزت الدوله سرچشمه می‌گیرد و رنگ خصمانه دارد:

«لابد این دسته گل را همان عزت الدوله به آب داده با آن چشم‌های لوچش حساب دار و ندار همه اهل شهر را دارد» (همان، ص ۸)

جدال عملی زری با عزت الدوله در فصل ۱۵ در ماجرای گرفتاری ننه فردوس ظاهر

می‌شود:

«صدای عزت الدوله رشته فکرش را برید: "زری جان، چقدر سبک و سنگین می‌کنی، اینکه کار مهمی نیست!" زری پاکت‌ها و جعبه مرکب را گذاشت جلو عزت الدوله و گفت: "نه، نمی‌کنم، عذر می‌خواهم"»  
(سووشون، ص ۱۷۵)

#### د) جدال یوسف با سرجنت زینگر

جدال یوسف با سرجنت زینگر نیز از نوع جدال‌های سیاسی می‌باشد که بیان‌گر دو تیپ است با دو اندیشه متناقض: اندیشه یوسف عزت و استقلال فرهنگی و ملی است و اندیشه زینگر، اندیشه استعمار و استثمار کشورهای استعمارگر است. این جدال با مبارزه منفی یوسف ادامه پیدا می‌کند و حوادث فراوانی در طول کتاب به وجود می‌آورد که سرانجام به شهادت یوسف ختم می‌شود. ظاهراً اختلاف در مورد عدم موافقت یوسف است در فروش محصولات املاک‌اش و چون یوسف با اجرای نقشه‌های خائنانه انگلیسی‌های غارت‌گر و یاغی توافق ندارد منجر به نابودی‌اش می‌شود:

«زینگر جام‌اش را بلند کرد و گفت: "به سلامتی ایران، کیلی بوزورگ ترین از فرانسه. و تهران بوزورگ تر از ... از ویشی." یوسف سرش را از روی نقشه برداشت، به او نگاه کرد و گفت: "ولی بدبختانه ما نجنگیدیم!" ... زینگر حرف‌اش را برید و از یوسف پرسید: "چرا بدبختانه می‌گفتی؟" یوسف جواب داد که: "چونکه عواقب‌اش را داریم می‌کشیم. بی اینکه مزه قهرمانی یا شکست شرافتمندانه را چشیده باشیم." زینگر به خشونت گفت: "اگر توانست جنگ کن دیگر. پیدا کردم این لفظ کوب است. پوشالی بود..." یوسف بی‌اختیار خندید و دست به شانه زینگر گذاشت و گفت: "زینگر عزیز خودتان می‌دانستید خون ندارد و زشتی و ابتذال‌اش در همین بود. حتی نمی‌دانستیم نباید بجنگیم تا اگر شکست می‌خوریم غرورآمیزی باشد"» (همان، ص ۳۶).

و جدال‌های دیگر همچون جدال یوسف با برادرش خان کاکا، جدال زری با خودش و ...؛ بیان مسائل سیاسی و زد و بندهای افراد برای تصاحب قدرت‌ها و گفت‌وگوها و مباحث مختلف عاطفی، سیاسی و توصیف حالات روانی افراد و روشن کردن شیوه‌های ترفند و حیل‌گری در گفتارها و کردارهای شخصیت‌ها همه نشان از مشاهده دقیق و واقع‌گرایانه نویسنده دارند که به حق در نمایش آن‌ها موفق بوده است.

### در جست‌وجوی هویت زنانه

علاوه بر نمونه‌های ذکر شده از تقابل بین گفتمان غالب استعمارگری و استعمارستیزی، گونه دیگری از گفتمان مطرح شده در جامعه داستانی رمان، گفتمان غالب مردسالارانه است. سیستمی که در آن زنان به شکل سازمان‌یافته‌ای از حقوق فرهنگی، روانی و جنسی خود محروم شده‌اند. در داستان‌هایی که به وسیله زنان نوشته شده غالباً خود زن محوریت داستان را به عهده داشته است. در این آثار کوشش‌هایی برای بیان هویت شخصی زن و جست‌وجوی خود صورت گرفته است؛ زنان در رمان‌ها بیش‌تر از خود گفته‌اند و در لابه‌لای گفت‌وگوهای درونی و بیرونی حوادث داستان در جست‌وجوی هویت گمشده و ناشناخته خود بوده‌اند.

در «سووشون» زری که زنی تحصیل کرده است به علت عشق به شوهر و فرزندانش به انسانی وابسته بدل شده و این وابستگی از او زنی مطیع و ترسو ساخته است. شوهرش، یوسف، یکی از خوانین منطقه فارس است که حاضر نیست با انگلیسی‌ها مدارا کند و محصولات مزرعه‌اش را به آن‌ها بفروشد، این مخالفت که عاقبت به قیمت ازدست دادن جان‌اش تمام می‌شود زری را می‌ترساند. در ابتدای داستان زری در برابر مقاومتی که شوهرش یوسف در برابر انگلیسی‌ها از خود نشان می‌دهد بسیار می‌ترسد و ترجیح می‌دهد وارد مسائلی که خارج از حیطه خانه و خانواده است نشود:

«زری گریه‌کنان گفت: هر کاری می‌خواهند بکنند، اما جنگ را به لانه من

نیاورند ... شهر من، مملکت من همین خانه است» (همان: ص ۲۵).

نظام‌های خودکامه بزرگ‌ترین آسیب را به روان مردانه زن می‌زنند؛ آن را شکننده و حساس می‌سازند. آنچه را نباید از یاد برد، پیوند مستقیم میان نظام پدر شاهی در سطح



جغرافیایی ملی با مردسالاری در مقیاس جغرافیای خانواده است؛ در «سووشون» نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که هراس زری از پیامد درگیری با نیروهای خودکامه سیاسی - اجتماعی سبب می‌شود در بسیاری از موارد به اصطلاح کوتاه بیاید تا کیان خانواده را از آسیب محتمل ایمن سازد. اما آنچه در روند داستان می‌بینیم این است که روح حقیقت‌جو و سرکش زری تا مدتی طولانی این انقیاد و اطاعت را نمی‌پذیرد، و به خصوص پس از مرگ شوهرش خود در تقابل مستقیم با گفتمان غالب برمی‌خیزد آنجا که می‌خواهد تا تشییع جنازه همسرش نه به صورت پنهانی بلکه به صورت عمومی و به مثابه اعتراضی در مقابل بیگانگان و مردم بیگانه زده برگزار شود. دانشور در همه آثار خود بر این نکته پای می‌فشارد که زن، خلاق است و طبعاً نمی‌تواند شاهد تباه شدن کسانی باشد که به گونه‌ای مخلوق اویند.

«کاش دنیا دست زن‌ها بود! زن‌ها که زاییده‌اند؛ یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند... شاید مردها چون هیچ وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آنقدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند. اگر دنیا دست زن‌ها بود، جنگ کجا بود؟» (سووشون، ص ۱۹۳)

### نتیجه بحث

یکی از دلایل اهمیت «سووشون» که به منزله سکوی پرتاب دانشور بر مدار واقع‌گرایی محسوب می‌شود، در این به تصویر کشیدن روابط متکثر قدرت و گفتمان در سطح جامعه و خانواده نهفته است. دانشور به خواننده کمک می‌کند تا خطر عزیمت اندیشه زری را از «فردگرایی» تا «جامعه‌گرایی» و از «انقیاد» تا «عصیان» او بر ضد وضع موجود و از زنی احساساتی و منفعل تا مرز زنی منطقی و فعال و از عامیانه اندیشی تا پهنه اندیشه‌های فلسفی - اجتماعی پیگیری کند.

## کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۸۰ش، ساختارگرایی و تأویل متن، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- برسلر، چارلز. ۱۳۸۱ش، درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی، ترجمه مصطفی عابدینی، تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین. ۱۳۹۳ش، گشودن رمان، تهران: نشر مروارید.
- دانشور، سیمین. ۱۳۸۰ش، سووشون، تهران: خوارزمی.
- ضیمران، محمد. ۱۳۹۳ش، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: انتشارات هرمس.
- فوکو، میشل. ۱۳۸۹ش، نظم اشیا: دیرینه‌شناسی علوم انسانی، ترجمه یحیی امامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کلیگز، مری. ۱۳۸۸ش، درسنامه نظریه ادبی، ترجمه جلال سخنور، تهران: نشر اختران.
- گلشیری، هوشنگ. ۱۳۷۶ش، جدال نقش با نقاش، تهران: انتشارات نیلوفر.
- مقدادی، بهرام. ۱۳۸۰ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، تهران: انتشارات فکر روز.

## کتاب انگلیسی

- Humm, Maggie. (1997). A Readers' Guide to Contemporary Feminist Literary Theory and Criticism. London: Macmillan Press.

## مقالات

- حسن لی، کاووس و قاسم سالاری. ۱۳۸۶ش، «نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور»، نشریه مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، سال پنجم، شماره ۱، صص ۲۵-۵.
- قبادی، حسینعلی. ۱۳۸۸ش، «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون»، فصلنامه نقد ادبی، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۸۳-۱۵۰.

## Bibliography

- Ahmadi, Babak. (1380). Structuralism and Hermeneutics. Markaz Pub, Tehran, 809 p.
- Bressler, Charles. (2007). Literary Criticism: an introduction to theory and practice. 4<sup>th</sup> ed. New Jersey, Pearson Prentice Hall.
- Daneshvar, Simin. (1392). Savushun. Tehran, Kharazmi Pub.
- Ghobadi, Hossein-Ali. (1388). "An Analysis of Dominant Discourse in Savushun". Journal of Literary Criticism. 6<sup>th</sup> Issue. P: 150-183

Golshiri, Houshang (1376).The Quarrel of Painting and the Painter. Tehran, Niloofar Publication.

Hassan Li, Kavous and Salari.(1386). " Signs of Feminisim in Simin Daneshvar's Works," Journal of Social and Women Studies..Issue 1. P: 5-25.

Hume, Maggie.( 1997). A Readers' Guide to Contemporary Feminist Literary Theory and Criticism. London, Macmillan Press.P.

Klages, Mary.(2007). Literary Theory, A Guide For The Perpelexed..

Meghdadi, Bahm.(1380). A Glossary of Literary Criticism. Tehran, Fekr-e-Rooz Pub.

Tehran, Morvareed Pub. Payandeh. Hossein ( 1393). Opening the Novel.

Zamiran, Mohammad.(1393). Michel Foucault: Knowledge and Power. Tehran, Hermes Pub.



## **A Study on Power and Language Discourse Theory by Michel Foucault and Feminine Identity in Savušun Novel by Simin Daneshvar**

Roshanak Vatani: Faculty of English Language, Islamic Azad University, Kerman Branch,

Behnaz Salehi: PhD Candidate, Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Kerman Branch

### **Abstract**

The authors of the present article attempt to study the text of "Suvshon" novel to survey the multiple discourses of the work that are influenced by the social situation of Daneshvar's era, and also studies how this work uses different voices against the dominant patriarchal discourse, silent voices and unheard of the woman listens to the audience. At the same time tries to prove that how *Daneshvar* was able to create a new character of woman in Iranian fiction by studying the language of the novel, which is influenced by various aspects such as epic, mythological and religious which are independent of the dominant discourse of the society in its time. She finds herself out of passivity and enters the society as an active woman.

**Keywords:** power, discourse, identity, language, patriarchy.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی